دکتر رضا مولوی در گفت‌وگو با «شهروند»

آب نباشد سیاست هم می‌خشکد

عکس: مهدی چمنی

واقعیت این است که بحران آب آنچنان که باید جدی گرفته نمی‌شود. منظور من سیاستمداران و سیاست‌گذاران نیست بلکه منظورم این است که به‌نظر می‌رسد مردم هنوز این بحران را جدی نگرفته‌اند یا مردم هنوز با آن، آنچنان که باید درگیر نشده‌اند یا شاید فکر می‌کنند که این هم بحرانی است که گذراست. بحران آب حقیقتا چقدر می‌تواند به زندگی بشر آسیب بزند و آیا واقعا هنگام مواجهه با بحران آب، بشر با این توانایی‌هایی که دارد نمی‌تواند راه‌حلی برایش بیابد؟

از بدو شروع بشریت، انسان‌ها همیشه دنبال مکانی بودند که آبی در آن باشد تا بتوانند در آن‌جا اسکان بگیرند و زندگی‌شان را ادامه دهند. در آن زمان جمعیت دنیا به مراتب کمتر از چیزی بود که امروز ما با آن روبه‌رو هستیم. اما به مرور که جمعیت دنیا رو به افزایش گذاشت، بحث منابع آبی و کمبود آن جدی‌تر شد. در همین مملکت خودمان وقتی که مسئولان دولت سابق گفتند بروید این ۸۰ میلیون جمعیت را برسانید به ۱۵۰ میلیون نفر آن هم تنها به این دلیل که مملکت وسیعی داریم و گنجایش‌اش را دارد، به این مسأله توجه نداشتند که فقط ۶ درصد از کل سرزمین ایران، قابل کشاورزی است آن‌هم به شرطی که آب و امکانات کشاورزی فراهم باشد. امروز این منابع روز به روز کمتر می‌شوند. تالاب‌ها خشک می‌شوند و نه‌تنها آب در زندگی ما کمتر می‌شود بلکه حتی بزندگانی که کوچ می‌کردند از نقطه‌ای به نقطه دیگر دنیا و از این تالاب‌ها استفاده می‌کردند هم دیگر به ایران نمی‌آیند.

علاوه‌بر این بحران آب یک بحران بین‌المللی است نه فقط یک معضل منطقه‌ای یا داخلی. اخیرا اعلام شده که ایالت کالیفرنیای آمریکا در آستانه رسیدن به یک ابرخشکسالی است. می‌گویند هر روز که می‌گذرد این خشکسالی نزدیک‌تر می‌شود. حتی اعلام کرده‌اند که ۱۷ روستا در ایالت کالیفرنیا تنها تا ۲ ماه دیگر آب برای مصرف کردن دارند و پیش‌بینی می‌کنند که این تعداد بیشتر هم بشود. به‌طور کلی از هر ۷ انسان روی کره‌زمین یک نفر به آب آشامیدنی دسترسی ندارد. اوضاع در انگلیس هم به هیچ وجه خوب نیست و تالاب‌ها در حال خشک‌شدن هستند. در خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب آسیا نیز در سال‌های آینده با کمبود آب مواجه خواهیم بود و دلیلش مدیریت ناصحیح منابع آبی است. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ بخش‌هایی از ترکیه، سوریه، عراق و ایران که در امتداد رود دجله و فرات قرار دارند به اندازه ۱۴۴ کیلومتر مکعب سطح پوشیده از آب را از دست داده‌اند که این مقدار آب به اندازه کل آب برلرامیت است. در جنوب آسیا روند از دست دادن منابع زیرزمینی آب بسیار شدیدتر بوده است. حدود ۶۰۰ میلیون نفر در مساحت ۲ هزار کیلومتر مربعی که از پاکستان آغاز می‌شود و تا شمال هندوستان تا بنگلادش ادامه می‌یابد، زندگی می‌کنند که این منطقه یکی از خشک‌ترین مناطق روی کره زمین است. در این مناطق نزدیک به ۷۵ درصد کشاورزان از پمپ برای آبیاری استفاده می‌کنند و مصرف آب در این منطقه بسیار زیاد است.

از یاد نبریم که در دنیا برای ارتقای صنعت یک مملکت نیاز مبرمی به آب هست. خصوصا صنایع مادر مثل فولاد و نیروگاه‌ها و کشاورزی نیاز به آب دارند و روز به روز کم شدن آب و تغییر کردن وضع آب و هوا و آب شدن یخ‌های قطب شمال این خطر را برای ما تداعی می‌کند که اگر مواظبت نکنیم و از این آب بیهوده استفاده کنیم، مشکلاتی خواهیم داشت و نهایتا بدون آب امکان زندگی برای بشر فراهم نیست.

چالشی که بین کشورها در صورت کمبود منابع آب به وجود می‌آید، چیست؟ ایران در ۵ نقطه با افغانستان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و عراق رودخانه‌های مرزی دارد. آیا امکان دارد که در آینده به جایی برسیم که بر سر منابع آب چالشی میان ایران و کشورهای همسایه ایجاد شود؟

بدون تردید اگر ما به‌طور کلی با این همسایه‌هایی که با آنها از منابع آب مشترک استفاده می‌کنیم، توافقنامه‌هایی نداشته باشیم، اگرچه این توافقنامه‌ها، خصوصا در شرایط بحرانی می‌توانند پاره شوند، چنانچه که در گذشته هم بوده، اما اگر به هر صورت مشکلاتمان را با این کشورها حل نکنیم احتمال بروز درگیری وجود دارد. آقای کوفی عنان در سال ۲۰۰۱ در سخنرانی‌اش گفته است که جنگ‌های منطقه‌ای، به‌خصوص در همین مناطقی که گفتید، بر سر منابع آب قریب‌الوقوع است. بگذارید برای این‌که این تئوری کمی قابل باور باشد مثالی عرض کنم.

اخیرا مصر از اتیوپی خواسته تا ساخت سد روی نیل را متوقف کند و اعلام کرد که به هر قیمتی که شده از حق تاریخی خود در خصوص رود نیل نخواهد گذشت. دولت مصر به محققانش هم دستور داده تا تحقیقاتی را در این خصوص که آیا این سد تاثیری در کاهش حق‌آبه مصر از نیل خواهد داشت یا نه، آغاز کنند. مثال دیگر اردن است. این کشور از لحاظ برخورداری از منابع آب در رده سوم منطقه قرار دارد و اخیرا با کمبود انرژی برق به دلیل کمبود آب مواجه است. اخیرا شاهزاده حسن، عموی ملک عبدالله هشدار داده است که جنگ بر سر آب ممکن است خونین‌تر از رخدادهایی باشد که در جریان بهار عربی رخ داد. بنابراین می‌بینید که بحث جنگ بر سر آب به هیچ‌عنوان سراب نیست.

این جنگ بین دولت‌ها ایجاد می‌شود یا جنگ‌های مرزی مقطعی خواهد بود؟ شما می‌دانید که امروز حق‌آبه ما در رودخانه هیرمند به دلیل سیاست‌های آبی که افغانستان اجرا می‌کند بسیار کم شده. در چنین شرایطی چه نوع اختلاف ممکن است، رخ دهد؟ شاید برای مردم این سوال ایجاد شود که آیا ممکن است بین ۲ کشور بر سر مالکیت یک رودخانه اختلاف عمیق شود؟

بله خیلی به راحتی ممکن است، رخ دهد. ابتدا با درگیری‌های کوچک میان دهقانان آغاز می‌شود. اگر به خاطر داشته باشید. قبل از انقلاب سفید محمدرضا پهلوی که به اعتقادمن، میخ روی تابوت حکومتش را بااین کار زد. زمانی که قنوداییزم در ایران حاکم بود آبی که وجود داشت همیشه بر سر آن درگیری بود و این درگیری‌ها کشته می‌داد. چه برسد به حالا که جمعیت از ۳ میلیارد به ۸ میلیارد نفر در دنیا رسیده و منابع آبی هم به مراتب کمتر از قدیم شده است. برای مثال در مکزیکوسیتی بحران آب جدی است. این شهر با کاهش سطح ذخایر آب مواجه است و هیچ راهکاری برای استفاده از بارش‌های آسمانی که منجر به سیل می‌شوند نیز وجود ندارد و سیستم لوله‌کشی کهنه و فرسوده‌ای استفاده می‌شود که بیش از ۴۰ درصد آب انتقالی از آن به دلیل پوسیدگی به هدر می‌رود. مخازن آب شهر واقع در دور دست‌ها، که هر سال هم خشک‌تر از سال قبل می‌شود، در حصاری و به دور از دسترس ساکنان محلی قرار گرفته‌اند. حال در مکزیکی که جنگ بلندهای موامخدر در آن امنیت شهروندان را به خطر انداخته است، بلندهای مافیایی به‌زودی متوجه اهمیت آب خواهند شد و اقداماتی را در جهت حمله و کنترل منابع آبی شهر انجام خواهند داد.

می‌توان به گزارش نهادهای امنیتی آمریکا هم مراجعه کرد. نهادهای امنیتی آمریکا اخیرا در خصوص درگیری‌ها بر سر منابع آب هشدار داده‌اند. حتی ممکن است در آینده شاهد ظهور تروریسم مرتبط با بحران آب باشیم. در سال ۲۰۱۲ رئیس سازمان اطلاعات ملی آمریکا هشدار داد که مصرف بیش از اندازه از آب در هند و دیگر کشورها، نقطه شروع درگیری‌هایی خواهد بود که ممکن است امنیت ملی آمریکا را تهدید کند. مبنای این سخن تحقیقاتی بود که بر سر استفاده از منابع آبی رود نیل، دجله و فرات، رود اردن، رود ایندوس، رود برهماپوترا و آمودریا انجام شده بود. در این گزارش آمده بود که در طول ۱۰ سال آینده، خیلی از کشورها که برای آمریکا حایز اهمیت هستند با مشکلات آبی نظیر کمبود آب، کیفیت نامناسب آب یا طوفان مواجه خواهند شد و این مشکلات، خطر بی‌ثباتی و ورشکستگی دولت‌ها، افزایش تنش‌های منطقه‌ای، در این کشورها افزایش خواهد داد.

بعضی از تحلیلگرها بحران آب را به نوعی مقابل بحرانی‌هایی که در حوزه قیمت نفت رخ داده قرار می‌دهند. در حال حاضر قیمت نفت به شدت پایین آمده و همین مسأله باعث تغییر در سیاست کشورهایی نظیر کوبا و ونزوئلا و روسیه شده است. آیا ممکن است کمبود منابع آب موجب تغییر در سیاست‌ها و استراتژی‌های کشورها در قبال یکدیگر شود؟

کشورهای قدرتمند در استراتژی‌های خودشان در قبال دیگر کشورها مسأله آب را بسیار دخالت می‌دهند. آب مایه حیات است. ما اگر از منابع آب مایه حیات است. ما اگر از منابع فسیلی که سوخت وجهت روشن کردن موتور محرک صنعت استفاده می‌کنیم برخوردار نباشیم، ممکن است صنعتمان ضعیف‌تر و رشد اقتصادی کمتر شود ولی بدون آب امکان حیات وجود ندارد. من معتقدم در معادلات استراتژیک قدرت‌های بزرگ که با تکنولوژی‌های بهتری که دارند ممکن است بتوانند راهی برای بحران کم‌آبی پیدا کنند. مسأله آب دخیل است. درواقع آنها ممکن است بتوانند از ضعفی که ممالک دیگر در خصوص کمبود آب دارند، سوءاستفاده و فشار را بر آنها زیاد کنند. ببینید همین کشور کوچک امارات که منابع عظیم نفتی دارد چه اهمیتی برای آب قایل می‌شود. امارات با مشکل ازدیاد جمعیت مواجه است و به تبع آن مشکل آب هم وجود دارد. این کشور سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در حوزه آب کرده است. اخیرا هم محمدبن زاید آل نهیان اعلام کرد که موضوع آب برای امارات حتی از نفت هم مهم‌تر است.

ما در آفریقا همواره خشکسالی داشته‌ایم و همواره بحران آب در آن‌جا وجود داشته است اما در آفریقا هنوز شاهد جنگی بر سر منابع آب نبوده‌ایم. حال چطور می‌شود که این مسأله را توجیه کرد که در یک منطقه‌ای که از لحاظ فرهنگی و از لحاظ ثروت در جایگاه بالاتری قرار دارد جنگی بر سر آب شکل بگیرد؟ می‌خواهم بگویم بعضی از تحلیلگرها هم بر این عقیده‌اند که جنگ بر سر آب معنا ندارد و بشر خواهد توانست برای این مشکل هم راه‌حلی پیدا کند؟

تا وقتی که ارزش انسان‌ها به آن اندازه‌ای که در دنیا پیشرفته است، نباشد، حاکمان دیکتاتور موجود در آفریقا اهمیت از بین رفتن جمعیت میلیونی که به خاطر نداشتن آب در حال تلف‌شدن هستند را درک نخواهند کرد. مگر این که این مسأله فراگیر شود و همه در دنیا دست به دست هم بدهند و این ضایعه را شناسایی کنند و راه‌حلی برایش پیدا کنند. درحال حاضر میلیون‌ها نفر به غذا در آفریقا از بین می‌روند. مامی دانیم در اروپا برای حفظ و ثابت نگه‌داشتن قیمت کره، مقادیر زیادی کره مازاد که تولید می‌شود را در دریای مدیترانه می‌ریزند. یا در آمریکا مقادیر زیادی گندم برای حفظ قیمت گندم برای کشاورزان سوزانده می‌شود. سوال این است که چرا آمریکا این گندمی را که می‌سوزاند به آفریقایی‌ها نمی‌دهد. تا از گرسنگی نمیرند. تا وقتی که دیکتاتوری هست و دموکراسی نیست و تا وقتی که ارزش انسان‌ها در نظر دیکتاتورها کم است، مشخص است که دیکتاتورهای آفریقایی به فکر خودشان هستند و تنها به فروش الماس، برلیان و منابع زیرزمینی هستند و حالا یک میلیون نفر هم اگر از بی‌آبی از بین رفتند از دیدگاه آنها نوعی کنترل جمعیت است! بنابراین من فکر می‌کنم به برنامه‌ریزی صحیح و علمی از سوی جامعه بین‌الملل برای رفع بحران آب نیازاست.

آیا درحال حاضر این برنامه‌ریزی درحال انجام است؟

تعدادی از ممالک اروپایی مثل نروژ، انگلیس و دانمارک و حتی کانادا و آمریکا روی این مسائل کار می‌کنند. ولی در ممالک آفریقایی یا در خاورمیانه جسته و گریخته محققانی روی این مسائل کار می‌کنند اما عزم جدی حاکمیتی برای رفع این بحران وجود ندارد. همین مسأله موجب شده که مردم این مسأله را جدی نگیرند. مردم با خودشان فکر می‌کنند که ما سالیان سال است زندگی کرده‌ایم و خداوند برف و آب را تأمین می‌کند. در صورتی که ما شاهد این هستیم که در این وقت سال در همین تهران خودمان، در همین منطقه، ما در حدود یک متر برف داشتیم اما امروز خبری از آن برف نیست و بیش از نیمی از مخازن سدها خالی شده‌است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی کشورهای بزرگ صنعتی با مصرف آب آنها رابطه‌ای مستقیم دارد. اگر ما بپذیریم که بحران آب شدیدتر و دامنه‌اش بیشتر خواهد شد مسلما اقتصادهای بزرگ دنیا هم از این بحران تأثیر می‌پذیرند. آیا امکان دارد که در آینده بحران آب موجب یک رکود اقتصادی در جهان شود؟

من معتقدم که این امکان وجود دارد. آب یکی از آن مواردی است که در هر صنعت مادری به آن نیاز است و برای این که صنعتی وجود داشته باشد باید حیاتی باشد. از آنجایی که آب، مایه حیات است بنابراین در صورت نبود آب، صنعتی هم وجود نخواهد داشت. علاوه‌بر این رکود اقتصادی به خاطر بحران آب تبعات دیگری هم دارد. یکی از تبعات آن تضعیف نظام‌های سیاسی جهان است و وقتی نظام‌های سیاسی جهان تضعیف شوند درگیری‌ها و نزاع در سراسر جهان افزایش می‌یابد. ما تبعات این تضعیف نظام‌های سیاسی را در حوزه‌های دیپلماتیک و نظامی هم خواهیم دید. من حدود ۱۰ سال پیش مطلبی را درباره آب مطرح کردم و گفتم‌اگر که جنگ‌های آینده روی ذخایر سوخت فسیلی نخواهد بود، بلکه این منابع آب و تسلط بر آن خواهد بود که موجب جنگ‌های آینده خواهد شد.

شما در منطقه ما اوضاع را در کدام کشورها خیلی وخیم‌تر می‌بینید؟

یمن، عربستان، ایران، ترکیه، افغانستان و عراق درواقع خیلی از کشورهای خاورمیانه در معرض خطر کمبود آب قرار گرفته‌اند.

شما مورد یمن را مطرح کردید. سوالم این است که آیا بحران آب به خودی خود حایز اهمیت است یا این که بحران آب در کشوری که کارآمدی نظام سیاسی بسیار ضعیف و درگیر ناامنی است ممکن است خطرناک‌تر باشد. ما درحال حاضر اوضاع یمن را می‌بینیم که درگیر ناامنی و بی‌ثباتی نسبی است. مسلما نظام سیاسی بی‌ثبات نمی‌تواند راهبرد موثری برای مبارزه با بحران آب داشته باشد. بر خورداری از مولفه‌هایی نظیر ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از نظر مقابله با بحران آب چقدر مهم است؟

من فکر می‌کنم اگر بخواهیم ثبات سیاسی داشته باشیم انسان‌ها باید احساس امنیت داشته باشند. امنیت هم از داشتن یک سقفی روی سر انسان‌ها و غذایی روی سفره خانواده شروع می‌شود. حتی اقتصاد هم در سایه امنیت شکوفا می‌شود. حال شما می‌بینید هم برای امنیت هم برای ارتقای اقتصاد آب یک عنصر حیاتی است. حتی به نوعی می‌توان گفت که اگر آب نباشد سیاستی هم در کار نخواهد بود. اگر به همین منوال جلو برویم این گرفتاری‌هایی که در یمن و سایر نقاط وجود دارد باعث خواهد شد که سیاست را در آن ممالک خنثی کند و مردم مستاصل خواهند شد.

یعنی معتقدید به بحران آب می‌تواند به یک موضوع امنیتی تبدیل شود؟

کاملا. حتی می‌تواند نظام‌های سیاسی را تهدید کند. چراکه نظام‌های سیاسی در درجه اول باید امنیت را برقرار کنند. برای برقراری امنیت هم زیرساخت‌ها و عوامل اساسی نیاز است و آب یکی از آن عوامل اساسی است. درواقع می‌توانم بگویم که اگر آب نباشد، امنیت هم نیست و امنیت نباشد سیاستی هم در کار نخواهد بود.

ما درحال حاضر با ترکمنستان از طریق رودخانه اترک، با ارمنستان و جمهوری آذربایجان از طریق رود ارس و با عراق از طریق کارون و با افغانستان از طریق هیرمند مرز مشترک داریم. فکر می‌کنید که اگر قرار باشد در آینده با یکی از این کشورها در خصوص منابع آب دچار چالش شویم، آن کشور کدام خواهد بود.

حدس زدن در این خصوص کمی دشوار است. ما خوشبختانه روابط خوبی با دولت عراق داریم. به همین منوال فعلا به نظر می‌رسد که روابط خوبی با افغان‌ها داریم ولی در آینده اگر از لحاظ منابع آبی، کفگیر به ته دیگ بخورد جماعتی که در این کشورها و جماعتی که در مملکت ما زندگی می‌کنند مسلما در مقابل هم خواهند ایستاد. ایران چه می‌تواند بکند وقتی که سر آب در افغانستان است و آنها برای بقای حیات خودشان سر آب را قطع کنند و سهم ما را ندهند؟ در این صورت چه اتفاقی می‌افتد؟ یعنی ما باید بپذیریم تمام زاهدان و سیستان و بلوچستان خشک شود و از بین برود؟ مسلما هر دولتی که در ایران بر سر کار باشد، نمی‌تواند این مسأله را بپذیرد.

در کشور خودمان فکر می‌کنید که دولت چقدر برنامه‌ریزی درست و عزم جزمی برای کنترل بحران آب دارد؟ و فکر می‌کنید که اگر این برنامه‌ریزی شروع شود تا چه زمانی نتیجه‌دهد؟

دانشجویی در دانشگاه تهران در یکی از سخنرانی‌هایی که به‌عنوان مهمان در دانشکده مطالعات جهان داشتم، از من پرسید: استاد فکر می‌کنید چه زمانی کارها درست شود؟ جواب دادم: این چه سوالی است که شما می‌کنید. یعنی چه که چه زمانی درست می‌شود؟ گفتم: احتمالا شما منظورتان این است که چه زمانی کارها بهتر می‌شود؟ چون درحال حاضر همه چیز درست است و سر جای خودش. اما پاسخ شما این است: زمانی اوضاع بهتر خواهد شد که ۷۵ سال بعد از روزی که همه ۸۰ میلیون نفر ایرانی دکمه استارت را فشار دهند و بگویند که می‌خواهیم اوضاع بهتر شود. فرهنگ‌سازی خیلی مهم است. در مملکت ما آدم‌های عالم زیاد داریم ولی اینها انفرادی کار می‌کنند و به صورت تیمی کار نمی‌کنند. شما حتما می‌دانید که هر رئیس‌جمهوری آمده کارهای رئیس‌جمهوری قبلی را باطل و دوباره از صفر شروع کرده است. در صورتی که در ممالک پیشرفته اینطور نیست. شخصی که بر مسند کار است تمام کارهای گذشته را نفی نمی‌کند و تنها ترهات جدیدی پیاده‌سازی می‌کند نه این که همه چیز را بریزد به هم. این کاری که در مملکت ما درحال انجام است سه قدم جلو و چهار قدم به عقب است. من فکر می‌کنم که تا وقتی ما به این نتیجه نرسیم که مدیریت یک علم است و چیزی نیست که ما آن را به ارث ببریم بلکه باید آنها را کسب و تحصیل کنیم. تا وقتی که این علم در کشور ما فراگیر نشود و انسان‌ها تکروی خودشان را ادامه دهند هیچ‌کاری پیش نخواهد رفت. باید فرهنگ‌سازی یکپارچه شود. روزی که شما دیدید که مردم وقتی خیابان یک طرفه می‌بینند واردش نمی‌شوند آن روز جرقه‌ای برای پیشرفت ملت و مملکت زده شده است. تا آن اتفاق نیفتد و تا هر کسی هر کاری دلش خواست بکند به عقیده من به جایی نخواهیم رسید.

> **کشورهای قدرتمند در استراتژی‌های خودشان در قبال دیگر کشورها مسأله آب را بسیار دخالت می‌دهند. آب مایه حیات است. ما اگر از منابع فسیلی که برای سوخت و برای روشن کردن موتور محرک صنعت استفاده می‌کنیم برخوردار نباشیم، ممکن است رشد اقتصادی کمتر شود ولی بدون آب امکان حیات وجود ندارد. من معتقدم در معادلات استراتژیک قدرت‌های بزرگ که با تکنولوژی‌های بهتری که دارند ممکن است بتوانند راهی برای بحران کم آبی پیدا کنند، مسأله آب دخیل است**

> **اردن از لحاظ برخورداری از منابع آب در رده سوم منطقه قرار دارد و اخیرا با کمبود انرژی برق به دلیل کمبود آب مواجه است. اخیرا شاهزاده حسن، عموی ملک عبدالله هشدار داده است که جنگ بر سر آب ممکن است خونین‌تر از رخدادهایی باشد که در جریان بهار عربی رخ داد. بنابراین می‌بینید که بحث جنگ بر سر آب به هیچ عنوان سراب نیست**

> **بحران جهانی کمبود منابع آب، امروز بیش از هر زمان دیگری به نگرانی‌های دولت‌ها تبدیل شده است. افزایش جمعیت جهان و مصرف بی‌رویه و بدون مدیریت منابع آب موجب شده است که بسیاری از کشورهای جهان در آینده‌ای نزدیک با بحران کمبود آب مواجه شوند. کمتر از یک درصد آبی که روی کره‌زمین قرار دارد برای ما انسان‌ها قابل استفاده است و نزدیک به ۲ درصد آن نیز به شکل یخ‌هایی است که به آرامی در حال ذوب‌شدن و بدون این‌که از آنها استفاده شود به اقیانوس‌ها می‌ریزند. پروفسور رضا مولوی، رئیس سابق مرکز مطالعات ایران در دانشگاه دورهام انگلیس یکی از اندیشمندانی است که بر این عقیده است اگر سیر فعلی ادامه پیدا کند جنگ‌های آینده نه بر سر نفت، بلکه بر سر منابع آب خواهد بود. او معتقد است که بحران جهانی کمبود آب نه‌تنها بر اقتصاد جهانی تاثیرگذار خواهد بود بلکه پیامدهای امنیتی، نظامی، اجتماعی و سیاسی برای کشورها به دنبال خواهد داشت. گفت‌وگوی «شهروند» را با این استاد دانشگاه می‌خوانید.**

آرمین منتظری
روزنامه‌نگار